

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه حامی اسلام و مسلمین

(ترجمه)



به راستی الله سبحانه و تعالی قوانین را برای تغییر جوامع وضع کرده است، قوانینی که نمی تواند متناقض باشد، و در زمره این قوانین الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ)

[رعد: ۱۱]

**ترجمه:** به راستی الله سبحانه و تعالی حال و وضع هیچ قوم و ملتی را تغییر نمی دهد (و ایشان را از بدبختی به خوشبختی، از نادانی به دانایی، از نلت به عزت، از نوکری به سروری و... و بالعکس نمی کشاند) مگر این که آنان احوال خود را تغییر ندهند.

پس برای تغییر وضع مردم، این مربوط به آن ها می شود تا آن چه که در داخل خودشان، افکارشان، احساسات شان و نظامی که آن ها به آن وفادار هستند، برای قضاوت بالای یک دیگرشان تغییر دهند. علاوه بر این الله سبحانه و تعالی این را بالای مسلمین شرط گذاشته که آن چه را بالای آن ها فرض گردانیده تطبیق کنند. چنان چه که الله سبحانه و تعالی می تواند پیروزی را برای آن ها نصیب گرداند. او سبحانه و تعالی می فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ)

[محمد: ۷]

**ترجمه:** ای مومنان! اگر (دین) الله سبحانه و تعالی را یاری کنید، الله سبحانه و تعالی شما را یار می کند (و بر دشمنان تان پیروز می گرداند) و گام های تان را استوار می دارد (و کار و بارتان را استقرار می بخشد).

همین طور الله سبحانه و تعالی قادر است که وضعیت مردم را تغییر دهد و پیروزی شان را تضمین کند، بدون این که ضرورت به بشر باشد تا انگشت شان را بلند کنند. به همین شکل او سبحانه و تعالی این را بالای بشر فرض گردانیده تا اعمال مادی را به عهده بگیرند که پیامد های مادی نیز در پی داشته باشد.

الله سبحانه و تعالی این را بالای ما فرض گردانیده که از طریق یک دولت اسلامی با اسلام حکمروایی کنیم. هم چنان این هدف توسط یک فرد یا افراد محدود نایل شدنی نیست و ترجیح داده می شود تا آن به گونه ی جمعی با تمام کسانی که به دین شان مخلص هستند و رضای الله سبحانه و تعالی و احیایی مجدد امت شان را می خواهند، بدست آید. این در عصر پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز به وضوح دیده شده که صحابه ی رسول الله صلی الله علیه و سلم از بخش های مختلف جامعه به دین اسلام مشرف شدند. در بین آن ها اشخاص برجسته یی بودند که به اسلام روی آورده و در داخل مکه از اسلام و مسلمین پشتیبانی می کردند. از این اشخاص اولین کسی که به اسلام مشرف شد، حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه بود.

ویژگی های حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه تاثیر بزرگی در پابرجایی موقف رسول الله صلی الله علیه و سلم داشت. پیش از آن نیز حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه یکی از اشخاص نیک نام و با نفوذ قریش شناخته می شد. او رضی الله عنه قبل از اسلام برای حجاج خوراک تهیه کرده و مردم را میزبانی و مهمان نوازی می کرد. مردم در مصیبت و فاجعه ی شان از او رضی الله عنه کمک می خواستند و حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه از شخصیت خوبی در بین مردم برخوردار بود و آن ها او رضی الله عنه را به خاطر صفات حسنه اش دوست داشتند. او هم چنان به خاطر سخاوت اش نیز در بین مردم شهرت داشت.

گفته می شود حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه هرگز به بت ها سجده نکرده و یک شخصی دارای فکر روشن بود که به خرافات آن زمان مخالفت می کرد و حتی برای خود قبل از اسلام شراب را منع کرده بود. رسول الله صلی الله علیه و سلم لقب صدیق را به او به خاطر ی که حقیقت رسول الله صلی الله علیه و سلم را تایید کرده بود، اعطا کرد، و تصدیق او عظمت او را نیز گسترده داد. هنگامی که در صبح اسرا به او گفتند: دوست شما ادعا کرده است که امشب سفر به اسرا دارد، او رضی الله عنه پاسخ داد: اگر او رسول الله صلی الله علیه و سلم گفته باشد، پس او راستگو است. الله سبحانه و تعالی حضرت ابوبکر رضی الله عنه را به عنوان راستگو در قرآن عظیم الشان توصیف کرده، چنان چه می فرماید:

(وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ)

[زمر: ۳۳]

**ترجمه:** کسانی که حقیقت و صداقت را با خود آورده اند (و از سوی الله سبحانه و تعالی به مردمان ابلاغ کرده اند که پیامبرانند) و کسانی که حقیقت و صداقت را باور داشته اند (و برابر آن رفته اند که مومنان اند) آنان پرهیزگاران واقعی هستند.

در حقیقت شخصیت حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه به عنوان یک حامی در اقتدار اسلام بود. هر کسی که متصف با چنین شخصیتی در محیط اش باشد، نظر و فکر او توسط هم دوره، کشور و محیط اش وزن گرفته و پیروی خواهد شد و باورش در افکار و اصلاح دیگران تاثیر گزار می باشد. برای مثال: وقتی که حضرت ابوذر غفاری رضی الله عنه به اسلام مشرف شد و به قبیله ی غفار برگشت، آن ها را به اسلام دعوت کرد، همان بود که شخصیت و نجابت وی رضی الله عنه تاثیر بالای مردم اش گذاشت و آن ها به اسلام مشرف شدند.

بنابراین نقش اشخاص برجسته در جامعه یک نقش اساسی و بنیادی است؛ پس وظایف شان به عنوان یک رهبر به جامعه در پروسه تغییر به خاطر حاکمیت شریعت الله سبحانه و تعالی یک مسوولیت بزرگ تر نسبت به مردم عام است که تاثیر کمتر نسبت به جامعه و فامیل شان دارند. ضمناً اگر آن ها در کار تقویت و احیای امت شان کم بیایند، پس گناه شان نیز نسبت به عام مسلمین بزرگ تر است. اصحاب بزرگوار رضی الله عنهم که این ویژه گی و مشخصه را داشتند، این تاثیر گذاری را خوب تر می دانستند. مشرف شدن حضرات ابوبکر صدیق، عمر ابن خطاب، حمزه ابن ابوطالب، عثمان بن عفان و عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنهم یک تکیه گاهی برای اسلام به شمار می رفت که این حمایت شان تنها در افزایش و کثرت مسلمین خلاصه نمی شد.

هر صحابه که به اسلام مشرف شدند، قسمی کار و فعالیت نمودند که خود را از لحاظ تقوا، دعوت و پابندی به اسلام از

دیگران متمایز کردند. حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه یار و یاور رسول الله صلی الله علیه وسلم بود و با تلاش و سرعت در عمل اش در دعوت کردن با رسول الله صلی الله علیه وسلم برای برپایی اسلام به عنوان یک نیروی تاثیر گزار از همه متمایز شده بود. وی در مورد قبایل اعراب آگاهی خوبی داشت و این به پیامبر صلی الله علیه وسلم امکان می داد که قبایل را برای برقراری ارتباط انتخاب کرده، اسلام را برای آن ها پیشکش نموده و برای تاسیس دولت اسلامی از آن ها طلب نصرت نماید. از ابو ابن تغلیب از اکرمه و از ابن عباس روایت شده که:

**ترجمه:** علی ابن ابوطالب به من گفت: وقتی که الله سبحانه و تعالی به پیامبرش امر نمود که خود را به قبایل عرب پیشکش نماید، او بیرون رفت و ابوبکر و من هم با او به منی رفتیم، تا جایی که به جمعی از عرب ها ملحق شدیم، ابوبکر از ما پیش رفت و با شناختی که از قبایل داشت و آن ها که او را می شناختند و در بین شان معروف بود، به آن ها سلام کرد و نزدشان نشست... سپس ما به جمعی دیگری رفتیم که جمعی با وقار و مردم محترم بودند. ابوبکر پیش رفت و به آن ها سلام کرد و او گفت: شما کی هستید؟ آن ها گفتند: بنوشیان ابن تغلبه. ابوبکر برگشت و به رسول الله صلی الله علیه وسلم گفت: پدر و مادرم فدایت ای رسول الله سبحانه و تعالی، این ها بهترین مردم هستند.

بدین گونه حضرت ابوبکر رضی الله عنه تنها با داخل شدن به اسلام قناعت نکرد و در موارد زیادی که نمی توان همه را یاد آوری کرد، با اسلام و مسلمین یاری کرده و در صف اول دعوت قرار داشت. در حالی که بسیاری از اشخاص برجسته در زمان ما وقتی که نماز ادا می کنند، روزه می گیرند، زکات می دهند و فرایض حج را به جا می آورند؛ دیده می شود بیشتر اوقات زنده گی شان را به دنبال دنیا صرف و اولادهای شان را تنها در امورات زنده گی تربیه می کنند که محض منفعت مادی داشته باشد؛ مگر او رضی الله عنه تمام زنده گی و هستی اش را برای بلند بردن دین الله سبحانه و تعالی به شکل عالی صرف کرده و ثروت اش را برای نشر و اقتدار این دین به مصرف می رساند.

حضرت ابوبکر رضی الله عنه هیچگاهی کوشش نکرد که چیزی از ثروت اش را برای خود و فامیل اش نگهدارد. او برای اصحابی که به دین اسلام مشرف شده بودند و در نتیجه اسلام آوردن شان توسط قریش شکنجه می شدند، برای آزادی آن ها دارایی اش را فدیة می کرد. او رضی الله عنه تا آخر زنده گی از سخاوت در راه اسلام دریغ نورزید و هیچ درهم و دیناری هم از خود به جا نگذاشت؛ با آن که او خلیفه همه مسلمانان بود. در حقیقت تنها چیزی که او از خود برجا گذاشت اعمال نیک او بود که این آیه در مورد آن نیز صدق می کند:

(وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ)

[قصص: ۷۷]

**ترجمه:** به وسیله آن چه الله سبحانه و تعالی به تو داده است، سرای آخرت را بجوی (و بهشت جاویدان را به چنگ آور) و بهره خود را از دنیا فراموش مکن (و بدان که تو هم حق حیات داری و باید از امتعه و لذایذ حلال استفاده بکنی و به خویشتن برسی) همان گونه که الله سبحانه و تعالی به تو (بخشیده است و در حق تو) نیکی کرده است، تو نیز (به دیگران بیخش و بدیشان) نیکی کن، و در زمین تباهی مجوی که الله سبحانه و تعالی تبه کاران را دوست نمی دارد.

به راستی تایید و احترام جامعه برای این گونه اشخاص پر نفوذ، آن ها را مردم راستین و موثر در جامعه می سازد. این در ظرفیت شان است؛ اگر بخواهند نظر عام را نسبت به اسلام شکل دهند. بنابراین نقش اشخاص برجسته برای این که نظر عام را بسازد، نقش اساسی برای تغییر واقعیت فاسد و جایگزین اسلام به عنوان راهنمای زنده گی به وسیله یک دولت با حاکمیت اسلام است. این نقش، یکی از وظایف اشخاص برجسته در مکان نخست بوده تا آن ها اگر صدایی بلند کنند، بقیه مردم نیز به آن ها لبیک گفته و پیروی خواهند کرد.

بر علاوه، اشخاص برجسته و بزرگی خاص و موثر بالای مردم صاحب قدرت و صاحب اهمیت دارند و می توانند قدرت را از حاکمانی که اقتدار را به زور گرفته اند، بگیرند که این نصرتی است برای طرفداران مخلص برای برپایی دولت خلافت برمنهج نبوت. بناً اگرچه آن ها مردم اهل قدرت نیستند؛ اما آن ها نفوذ و فشار معنوی بالای اهل قدرت دارند. این تکلیف شان است که سیرت صحابه ی رسول الله صلی الله علیه وسلم و حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه را

الگوی خود قرار داده و از اهل قدرت برای حمایت طرفداران خلافت بر منهج نبوت طلب نصرت نمایند. اگر آن ها در انجام مکلفیت شان کوتاهی کنند، آن ها گنهکار شده و ضرر بزرگ را متحمل می شوند که گناه اش از کسی که از میدان نبرد فرار می کند کمتر نیست؛ زیرا این نصرت برای اسلام است که همانند جهاد در راه الله سبحانه و تعالی و حتی بزرگ تر از آن می تواند باشد.

طلب نصرت برای اسلام و تاسیس دولت نه تنها مستحفظ فریضه جهاد در راه الله سبحانه و تعالی بوده؛ بلکه کفیل همه مکلفیت هاست و ترک نمودن این مکلفیت بدین معنی است که امت اسلامی به این راضی هستند تا در تاریکی باقی بمانند و دیگران بالای آن ها حاکمیت کنند. شکی نیست که این برای کسانی که کم توجهی می کنند و برای کسانی که در ترازوی شریعت وزن داشتند و نتیجه مخرب کوتاهی این مکلفیت را متقبل می شوند، گناه عظیم باشد. الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤْلُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا)

[احزاب: ۱۵]

**ترجمه:** آنان قبلاً با الله سبحانه و تعالی عهد و پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند و نگریزند (و در دفاع از اسلام و مسلمین بایستند) عهد و پیمان الله سبحانه و تعالی پرشش دارد (و از بی وفایی بدان بازخواست می شود).

و الله سبحانه و تعالی فرموده است:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحَفًا فَلَا تُولُوهُمْ الْأَدْبَارَ \* وَمَنْ يُولُوهُمْ يَوْمَئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ)

[انفال: ۱۵]

**ترجمه:** ای مومنان! هنگامی که با انبوه کافران (در میدان نبرد) رویرو شدید، بدانان پشت نکنید (و فرار ننمایید) هرکس در آن هنگام به آنان پشت کند و فرار نماید؛ مگر برای تاکتیک جنگی یا پیوستن به دسته ای گرفتار خشم الله سبحانه و تعالی خواهد شد و جایگاه او دوزخ خواهد بود، و دوزخ بدترین جایگاه است.

نویسنده: بلال مهاجر

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۱۶ رمضان ۱۴۳۸ هـ.ق

۱۱ جون ۲۰۱۷ م